



آیا نهاد خانواده و نظام همسری جایگزین پذیر است؟

نیاز انسان به همراهی، هم اندیشی و آرامش در زندگی عملاً امری انکارناپذیر است.

در عصری که صنعت و تکنولوژی بشر را در ساختن برخی پدیده‌های مصنوعی و حتی ربات‌های پیشرفته یاری داده و توان مند ساخته و در بسیاری از عرصه‌ها ماشین را جایگزین انسان کرده است، طبیعی بود و نیز طبیعی است که این اندیشه به ذهن افراد یا گروه‌هایی راه یابد که برای تأمین نیازهای عاطفی، احساسی، روحی و معنوی انسان نیز پاسخ‌های تکنولوژیک و داروهای مشابه عرضه کنند!

ابعادی از این ذهنیت و رویکردها، متعلق به عصر جدید است و وجوهی از آن، دیرینه‌ای طولانی در تاریخ بشر دارد.

استفاده از مشروبات الکلی برای آرام بخشی و ایجاد نشاط تصنعی، بهره گیری از مواد مخدر برای ورود به عالم تخیل و غفلت از عالم واقعیت‌ها و رویکرد به هم جنس گرایی برای ارضای غریزه جنسی، روش‌های پرسابقه در تاریخ انسان است و استفاده از داروهای روان گردان و مواد شیمیایی نیروزا و عرفان‌های ساختگی و بدون خدا و فلسفه‌های پوچ اندیش و نسبیت گرا - که راه را برای جامعه گریزی و اخلاق ستیزی و هم جنس گرایی زنان و مردان هموار ساخته - حلقه‌های به هم پیوسته‌ای است که یکی پس از دیگری در عرصه جوامع بشری رخ نموده است.

یکی از نتایج مشابه سازی و ارضای تصنعی نیازهای درونی و عاطفی و انسانی، ساختن و پرداختن الگوها و روش‌های خاصی برای تأمین نیازهای جنسی و عرفانی و معنوی و عاطفی انسان‌ها، فارغ از روش‌های طبیعی و سنتی است و از آن جمله، نهاد خانواده و روابط همسری و نظام فرزندداری و تربیت اولاد است.

از آن جا که نیاز انسان به همراهی، هم اندیشی و آرامش در زندگی عملاً امری انکارناپذیر می‌باشد و از سوی بیشتر انسان‌ها پذیرفته نمی‌شود، کسانی به این نتیجه رسیده‌اند که می‌شود این نیاز را از طریق هم جنس نیز تأمین کرد و خانواده‌ای بر اساس دو زن یا دو مرد تشکیل داد و زنان در صورت احساس نیاز به فرزند، با استفاده از روش‌های جدید تلقیح و بارداری می‌توانند بدون داشتن شوهر، باردار شوند و یا دست کم می‌توانند در یک ارتباط آزاد و غیر سنتی و بدون تن دادن به زندگی مشترک خانوادگی، صاحب فرزند شوند!

این‌ها همه، تلاش‌هایی است برای این که به جای نظام همسری و نهاد خانواده، نسخه دیگری را برای انسان‌ها بیچند، در حالی که طبیعت و فطرت انسانی و هم چنین تجربه‌های علمی حکایت از این دارد که این گونه تدابیر، توصیه‌ها و برنامه‌ها، چیزی جز یأس و آشفتگی و روان پریشی برای فرد و جامعه به همراه نداشته است.

شگفت این که قرآن در بیش از چهارده قرن پیش، از جامعه‌ای خبر داده که همه شهروندانش به نوعی، هم جنس گرایی را به جای نظام همسری زن و مرد پذیرفته بودند، جز پیامبری که برای ارشاد آنان و نیز برخی از اعضای خانواده تلاش می‌کرد!

امروز که در برخی از کشورها، این نوع رفتار جنبه قانونی پیدا کرده و «اصل خانه» جای خود را به «نهاد خانواده» داده است و مکتب‌ها و فلسفه‌هایی بسیار پر سر و صدا و پرهوادار دم از بی ریشه بودن اخلاق و گرایش‌های اخلاقی می‌زنند و مروج پرهیز از ازدواج و اکتفای مردان به مردان و زنان به زنان هستند، به راز نهفته در گزاره‌های تاریخی قرآن پی می‌بریم و درمی‌یابیم که آنچه در قرآن تحت عنوان قصص یا تاریخ امت‌های پیشین یاد شده، در حقیقت پیش گویی از جوامع و نسل‌های آینده نیز هست.

اگر کسی به دقت و اهمیت این اسرار ایمان پیدا کند، باور خواهد کرد، همان سرنوشتی که قرآن برای امت‌های پیشین ترسیم کرده، در انتظار امت‌های پسین نیز خواهد بود، چه این که قانون الهی در نظام جهان و زندگی انسان، تجزیه فضولات و اجساد متعفن و اندیشه‌های منحرف و بازیافت آن‌هاست.

قرآن، کسانی را که به جای نظام همسری و نهاد خانواده، درصدد ارضای نیازهای جنسی و عاطفی از طریق هم جنس گرایی بوده و هستند، با این تعبیر یاد کرده است:

(يٰۤاَنۡتُمْ قَوۡمٌ تَّجٰهَلُوۡنَ). (1)

(يٰۤاَنۡتُمْ قَوۡمٌ مُّسْرِفُوۡنَ). (2)

(يٰۤاَنۡتُمْ قَوۡمٌ عٰذُوۡنَ). (3)

(الْقَوۡمُ الْمُۡقۡسِدِیۡنَ). (4)

(کَاۡنُوۡا ظٰلِمِیۡنَ). (5)

هر کدام از این تعبیر اشاره به وجهی از رویکرد طرف داران و عاملان این رفتار و انتخاب ناصحیح دارد که تأمل و دقت در آن به مجالی دیگر نیازمند است.

پی‌نوشت‌ها:

1. نمل، آیه 55.
2. اعراف، آیه 81.
3. شعراء، آیه 166.
4. عنکبوت، آیه 30.
5. همان، آیه 31.